



۲۰۱۹/۱۱/۱۳

عبدالواحد حيدري

جنايات خلق و پرچم



هيچ دوره در تاريخ افغانستان وحشتناک تر از دوره حفيظ الله امين نبود . روسها، پرچمي ها، طالبها جنايت کردند ولي خلقی ها يک جنايت توهم با خوف، بيم وحشت که هنوز هم لرزه بر اندام آدم می آورد . همه کشور به يک شکنجه گاه بزرگ تبديل شده بود . نميدانستی شب به خانه ات کی می آيد و ميبرد ات به شکنجه و سپس به کشتار گاه ها . از زاويه ديگر ببينيد تفاوت زياد دوران خلقی ها دارد . ديگران جنايت کردند در حالت بی نظمی، بی امنیتی و جنگ .

خلقی ها به چه دليلی همه کشور را به شکنجه گاه و کشتار گاه مبدل کرده بودند؟ در ابتدا کسی با حفيظ الله جنگ نکرده بود . در حقيقت استقبال هم شده بود . او خودش يک ديکتاتور خونخوار، جلاد، افراطي بود که سبب قيام سرتاسری که بعدش آن قيام مردمی به جهاد مبدل شد که تا کنون از چنگش رهائی نداريم . اگر طالب می کشد دليلی و عوامل دارد .

اکثر مردم جنايات گروه های تروريستی، روسها، امريکائی ها، پرچمي ها، طالبها و مجاهدين را با خلقی ها مقايسه میکنند اما خلقی ها متفاوت بودند . خلقی ها حکومت بودند، وقت يک حکومت بصورت منظم ملت خود را شبها به شکنجه گاه ها و کشتارگاه ببرد کاملاً متفاوت است .

اينها در يک کشور که امنيت بود و تازه از داوود خان حکومت را گرفته بودند و آب هم از آب تکان نخورده بود در يک وضعيت که صد در صد بالای همه افغانستان حاکم بودند و ملت بصورت کامل در صلح زندگی میکرد و مصروف زندگی عادی خود و اصلحه هم وجود نداشت مامورين خود را از دفاتر شان ميبردند به شکنجه گاه ها و کشتارگاه ها و تا امروز کسی نميداند که کی برد، کجا برد، چگونه کشته، چه وقت کشته شد و در کجا کشته شد .

تا سقوط اتحاد جماهیر شوروی هنوز هم در فاميل من کسانی بودند که فکر ميکردند پدر شان، شوهر شان، پسر شان، نامزد شان، برادر شان در سايبيريا نقل داده شده و شايد زنده باشد .

چندی قبل دختر کاکايم را ديدم گريه کرد و گفت وقت در تلویزون قبر های دسته جمعی را ميبينم به دقت نگاه میکنم که اگر شود در بين مرده ها واسکت فریدون را يافت کنم . فریدون پسر کاکايم بود و در روز که مفقود شد واسکت پوشيده بود . حالا تصور کنید که چقدر بر اين ملت ظلم بيچاه و بی دليل کردین . يک خواهر بعد از چهل و دو سال در بين مرده ها هنوز هم در تلاش يافتن واسکت برادرش است .

خلقی ها از حکومت يک سيستم عجيب وحشت هراس و خوف ساخته بودند . پرچمي ها و ديگر گروه ها اگر کشتند در جريان جنگ کشتند . حفيظ الله امين چه دليلی داشت که مامورين، محصلين، استادان، معلمين، افسران و ثاير افراد که هيچ نوع فعاليت سياسی نداشتند شبها از خانه های شان ميبردند و می کشتند؟ و اينهمه در شرايط صورت ميگرفت که در کشور کاملاً صلح و امنيت بود . من کسانی را ميشناسم که بخاطر خاموش کردن تلویزون هنگام بيانیه تره کی کشته شده . بخاطر که به همکاران خود گفته بود که داود خان بهتر بود، بخاطر که در صنف با همصنفي هایش به نارضايتی از دولت ياد کرده بود، بخاطر که گفته بود ميخواهد خارج برود . بخاطر که برادرش را بندي کرده بودند . بخاطر که پدرکلانش ملک قریه بود، بخاطر که زمين داشتند، بخاطر که پول داشتند . کسی را بنام فيودال می کشت، کسی را بنام خاندان يحيائی، کسی را بنام خورده بورژوا، کسی را بنام خان، ملک، ارباب و عده زيادی را بنام ماويست، افراطيون

د پانو شميره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي . په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

چپ و امپریالستان راست. عده کثیری را تحت عنوان ضد انقلاب کشتند صرف بدلیل اینکه نارضایتی خود را در محل کار، در پوهنتون بین همکاران و همصنفی ها بیان کرده بود.

همه کشور به یک سکوت، دیکتاتوری، شکنجه و کشتارگاه بزرگی مبدل شده بود. اگر کسی از زبانش یک حرفی از نارضایتی بیرون میشد حتی در دفتر و فامیلش باز شب می آمدند و میبردند به شکنجه گاه و سپس هیچ مرجع ئی احوالش را نمی داد. مثل میگفتی از زمین غایب شد. اگر مراجعه میکردی به پولیس خودت را نیز میزدند.

حفیظ الله امین در تلویزون گفت که من در افغانستان شست هزار کمونست واقعی میخوام باقی ملت را کار ندارم.. روزانه بیلدورز ها در پلیگون پلچرخ و دشت چمتله قبر دسته جمعی میکندند و شبها هزاران جوان تحصیل کرده، متخصصین، افسران، معلمین، تجاران، علما و از همه اقشار جامعه در آنجا تیر باران و یا زنده به گور میشدند. نکته مهم این است که در انوقت جنگ نبود و از سیاست هم کسی نمیدانست. دوره حکومت تره کی و حفیظ الله امین دوره شوم و هیبت ناک بود. وقت فیلم ها و آهنگ های دوران خلقی ها ره می بینم ترس عجیبی در وجودم خانه میکند. برای چند لحظه لباس سیاه خواهرم، چشمان همیشه اشک آلودش، خوهرزاده های کوچکم که در آغوش خواهرم از ترس خود را میچسپاند و دخترک دو ساله اش که چون کمی بزرگتر بود در پهلویش در حال کی از چشم هایش کاملا "ظاهر بودکه میدانست چه بلای بر سر پدرش آمده بود اما حرف نمیزد بیادم می آید.

به یادم می آید انروز که تنها چیز که از خانه شان مانده بودند یکی دو جوره لباس که به تن داشتند بود. همه دار و ندار شانرا دولت ضبط کرده بود. آن شب های تابستان سال 1358 بیادم می آید که تا صبح که در صفا خواب میبودم و هر جیب که در چهاراهی پیش خانه ما توسط پهره داران پولیس گولاهی پارک به خاطر گرفتن نام شب متوقف میشد فکر میکردم آمده اند خواهرم را و یا پدرم را به شکنجه و کشتن ببرند. آنزمان دوازده ساله بودم یادم می آید. شب ها خواب نمی شدم و با ایستاده شدن آن جیب ها در زیر روی جاهی پنهانی گریه میکردم و تا صبح قل الله میخواندم تا جیب حرکت نمیکرد قل الله میخواندم. و هر نیم ساعت جیب گزرم دیگری و قل الله خواندم تکرار میشد.

بررک موتر های جیب روسی یک نوع صدا داشت. وقت بررک میگرفتند فهمیده میشد که موتر جیب پولیس است.. بیادم می آید روز های که در مکتب از بی خوابی ضعف میکردم چون شبها از ترس خواب نمی شدم. وقت فلم ها و اشخاص و آوازخوانهای آن دوره را در فیسبوک میبینم یک ترس و افسردگی عمیق در دلم خانه میکند، چونین به نظرم میرسید که همه کسانی که در آن زمان شادی و سرود میکردند خلقی ها بودند و شب می آیند و پدرم را به کشتن می برند. آن آهنگهای خلقی ها را، وزرا و کابینه شانرا کاملا بیاد دارم اما در آهنگ ها یک لرزه بر اندام و شکنجه گاه بزرگ، یک کشتار گاه بزرگ یک ترس عجیبی و بعدش هم اشک، ماتم و گریه های فامیلم و گردن خون آلود پسران کایم، ماما هایم که هیچ ندیدم و بشکل تصویری در ذهنم ساخته شده به یادم می آید. فکر میکنم این ها بودند که در هنگام قتل ما رقص و شادی میکردند. آهنگ های لیسه مریم و غیره، بادیدن این فلم ها، آهنگ ها و تصاویر لست کشته شده گان که حفیظ الله امین در وزارت داخله آویزان کرد و آنروزهای که در همه جا فاتحه های بی جسد دسته جمعی در سر تا سر شهر کابل گرفته میشد یادم می آید، مثل روز عید از یک خانه به خانه دیگر میرفتیم چون همه فاتحه دار بودند اما این عید نبود، ماتم و عذاداری یکجائی شانزده هزار اشخاص سر شناس، تحصیل کرده، تجاران، افسران، استادان، محصلین بود. ترس بی انتها که در دل همه خانه کرده بود و کسی جرعت بیان ترس و غم و انده خود را نداشت.

حفیظ الله امین بزرگترین جنایتکار در تاریخ بشر است. افغانستان کشور کوچکی است و اگر کشور مطرح جهان میبود نام امین بالاتر از هتلر، استلین و موسیلمینی در لست دیکتاتور های جنایتکار بیمار دنیا قرار میداشت. افسوس که ما کشور غیر مطرح هستیم، نه قهرمان ما را کسی میشناسد و نه جنایتکار ما را. نه خون ما ارزشی دارد و نه کشور ما. نوشته: ولی فروزان، تورنتو کانادا، اکتبر ۲۰۱۹

یادداشت: هموطنان ارجمند، لطفا "اگر خاطرات، سرگذشت از دوره خلق و پرچم دارین ویا اسامی، عکس، زندگی نامه و تاریخ دستگیری و شهادت شهیدان گمنام را که شما می دانید، در پیام به صفحه به ما بفرستید تا نشر کرده و سبب آگاهی نسل جوان گردد. ممنون تان
آنا لله و انا الیه راجعون

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ